

و نقلی نباشند چون موارثت و عطا یا احوال کتاب سه چیز است تجاری
 بعضی ایندین گفته اند زراعت و تجارت و صناعت و اکثر برین اندک
 تجارت بهترین هر سه است و باوردی اختیار کرده که زراعت بهترین است
 و بعضی علی شان گفته اند که چون زمین زمان موال بیشتر باشد است
 و دروغ بر مردم غالب تجارت از احتیاط دور باشد و زراعت احتیاط
 باشد و چون در زمان بیشتر اموال حلال شایع بوده است اما زراعت
 بیشتر از پنجه حکم بر جان تجارت در نموده اند و حکما گفته اند که بر تجارت
 اعتبار نباشد چه شرط آن مایه است و آن در معرض زوال است
 و در کسب از سه چیز احتراز باید کرد یکی جویندگی بخرید بقلب یا بقاوت
 وزن و کسب چیزی بر بند دوم عار چون مسخری و منزل است ز اول
 سودی بدلت باشد سیوم و نداشت چون کناسی و دباغی و تجاری
 با فکلی از صناعات شریفه و صناعات بعضی ضروری بود مانند
 زراعت و بعضی غیر ضروری چون زرگری و علی الحدی صناعات برت
 شریفه و خسیس و متوسط شریفه است که تعلق بقوت نفسانی
 داشته باشد و آن صناعات احرار و ارباب برت باشد و معظم

ان

آن سه نوع است یکی تعلق بچوهر عقل دار و چون صنعت و زر و دوم انکه با
 و فضل تعلق دارد و چون کتابت و بلاغت و نجوم و طب و استیفا
 و مساحت سیوم که تعلق بقوت و شجاعت دارد و چون بر
 و ضبط نفوس و دفع اعدا و مشاعات خسیسه هم سه نوع است یکی کلم
 منافی مصلحت عامه مردم باشد چون احکام و سحر و قیادت دین
 صناعات شقیه است دوم آنچه منافی مصلحت نفسانی باشد چون
 مسخری و مطربی و مقارمی دین صنعت سفیاست سیوم که
 مقصود تفریح باشد چون مجامع و دباغی و کناسی و این صنعت فرومایگان
 و اخصاست و چون احکام طبع را نرزد عقل رواجی هست صنعت
 اخیر عند العقل قبیح نیست بلکه البته جهت انتظام امور معاش باید که
 جمعی باین مشغول باشند بخلاف دو صنف اول که نرزد عقل قبیح
 و هر کسی که بصناعتی بوسموم است باید که در آن صناعات تقدم
 و حال طلبد و بدانات است راضی نشود و بدانند که هیچ رتبت در دنیا
 نیکو تر از روزی فراخ نیست و بهترین اسباب آن صناعت است
 که بعد از استعمال بر عهد الت بعقبت و حرمت نزدیک باشد